

غیر محرمانہ

راه اصلاح کشور دیدن واقعیت زندگی مردم است

کامبیز مهدیزاده در توییتی نوشته است: اسد چشم پزشک بود، اما مردمش را ندید و به تاریخ پیوست. مادرورزانده اتوبوس بود، اما مسیر را اشتباه رفت. اما مهم این است که ما هم خوب ببینیم، هم مسیر درست را برویم. چرا که راه اصلاح کشور، از دیدن واقعیت زندگی مردم و انتخاب مسیر درست می‌گذرد نه از اعتماد به شرق و غرب. مردم را درایم.

**فراخوان توقف فعالیت
رانندگان کامیون جعلی است**

کانون انجمن‌های صنفی رانندگان کامیون و انجمن‌های صنفی کامیوندان را کشور در بیانه‌ای آورده‌اند: بیانه‌ای که با سربرگ این دو کانون و مهر هیات مدیره آنها برای توقف فعالیت ناوگان حمل و نقل جاده‌ای کالا منتشر شده، جعلی است. دیروز بیانه‌ای جعلی به طور وسیع در شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های مرتبط با حمل و نقل جاده‌ای کالا منتشر و طی آن از رانندگان خواسته شده که از امروز فعالیت حمل و نقل جاده‌ای کالا را متوقف کنند.

عدالت دریارانه

محمد جواد آذری جهرمی در کانال تلگرامی خود نوشته است: اقدام دولت و رئیس‌جمهور در تخصیص یارانه کالاهای اساسی به هر ایرانی، اقدامی شجاعانه و ستودنی است. مردم ببینید چه پول‌هایی به تعدادی می‌دادند تا برای شما کالاهای ارزان تهیه کنند و بعضاً می‌خورند و می‌پزند! ماهی یک میلیون تومان یارانه به هر ایرانی سهم رانته بود که با ماضی‌های طلایی به چند گروه خاص داده می‌شد، حالا به همه مردم به عدالت پرداخت می‌شود. البته این مبلغ ثابت برای یک میلیون تومان تغییر پیدا کرده و به یک میلیارد تومان تبدیل شده بلکه مناسب نرخ دلار، افزایش یابد.

نمره قبولی به دولت پزشکیان در اعتراضات اخیر

عبدالرضا داوری، تحلیلگر سیاسی و فعال رسانه‌ای، معتقد است که دولت پرنسپیان توانست اعتراضات دی ۱۴۰۴ را به طور کم‌دمنده و کنترل شده مدیریت کند. این اعتراضات، که در ۷ روز و ۳۲ شهر رخ داد، با حضور کمتر از ۵۰ هزار نفر و ۱۰۰۰ خان‌آبادی ۱۴۰۰ با داضبت، به مراتب محدودتر از اعتراضات ۱۴۰۱ و آبان ۹۸ بود. به گفته داوری، قطع اینترنت انجام نشد و سیاست‌های هدفمند اجتماعی، امنیتی و رسانه‌ای باعث شد اعتراضات به بحران ملی تبدیل نشود و خسارت‌ساز شده‌ای باقی نماند. مدیریت تفوق جمعی، جغرافیا و رسانه، نمونه‌ای از کنترل هوشمندانه اعتراضات در ایران است.

بانہ پس از بارش سنگین برف



دریچه

آذر هاشمی:

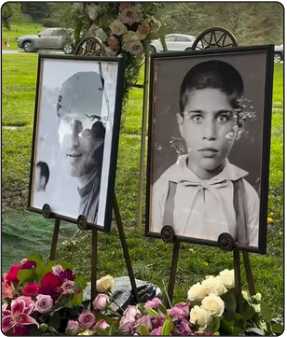
کیفیت آثار جشنواره موسیقی فراتر از انتظار است

خصوصاً برگزاری چهل دوره از جشنواره و میزان تأثیرگذاری آن، به‌ویژه در عرصه بین‌الملل، گفت: جشنواره فراز و نشیب‌هایی را تجربه کرده است. اما شایسته کم‌کیفیت‌ها بسیار بالا رفته و ما در مجموعه فکر می‌کنیم بیشترین کیفیت می‌تواند در جشنواره‌ها به‌دست آید. در هاستی‌ها بیان اینکه من خودم هر ساله از جشنواره موسیقی فجر هستم و آنچه امروز هستم، از فجر آغاز شده است، اظهار داشت: من به اسم، زمان یا مسائل اجتماعی، سیاسی نگاه نمی‌کنم، به نظر من جشنواره فجر واقعاً بالاترین، بهترین و بزرگ‌ترین جشنواره است و معتقدم که بسیاری که تاکنون انتخاب‌دین کرده‌اند، فایده‌ی این مسئولیت را داشته‌اند. به‌رحال جشنواره چارچوب‌ها، بایدها و نبایدهایی دارد و ممکن است دبیر اجرایی، دبیر جشنواره یا دیگر مدیران بخواند کارهای انجام دهند اما امکان اجرای همه آن‌ها وجود نداشته باشد. این‌ها در حال، در مجموع جشنواره موسیقی فجر را بیشتر دوست دارم و همیشه جوامع را به حضور در آن تشویق کرده‌ام، چرا که ما باید مشوق آن‌ها باشیم، به‌نظر من، در حال حاضر بهترین جشنواره است، وی در پایان خاطرنشان کرد: دوست دارم افرادی که شایستگی توانایی دارند، وارد آن فضا شوند و دیده شوند؛ جشنواره موسیقی فجر بهترین اتفاق است و شرکت در آن به‌معنای دیده شدن است.

در جشنواره موسیقی جوان و جشنواره‌های موسیقی فجر حضور داشتم و می‌توانم بگویم که در بخش بانوان، چه در میان جوانان و حتی گروه‌هایی که تاحدی شناخته‌شده هستند، بیشتر اجراها مطلوب و قابل توجه بود. هاشمی درباره ملاک‌های انتخاب داوران و ارزیابی آثار توضیح داد: «ملاک انتخاب، بیشتر اجرا و مه‌ارت نوازندگی، بود و نه قطعات، شیوه اجرا، میزان تاثیر دارم؛ از جمله آثار حسنیه هواره فرمول و شاخ شاهی دارم؛ از جمله آثار حسنیه و حتی نکاتی که باید در ارسال ویدئوی پیش‌نویس رعایت شود. همه موارد در داوری لحاظ شد. می‌توانم بگویم که ۷۰ درصد این نتیجه‌ای که مدیر داشتم رسیدیم؛ چراکه شرکت‌کنندگان در حال برگزاری هستند و به‌تدریج می‌آیند و چگونه خود را معرفی کنند، چگونه برای یک جشنواره پرفراوان یا نمونه اجرایی ارسال کنند. البته آثار هم می‌پوشند که با این موارد آشنایی کمتری داشتند، اما نظر من این روند که با جادفاندا است این نوازنده‌ها دستور در

خاکسپاری بهرام بیضایی بانوای حسین علیزاده

«کهن» ساخته حسین علیزاده که بسیر مورد علاقه بیضایی بود، به پایان رسید. بهرام بیضایی که دوستدار دانش و درخت و زندگی بود، حالا در آرامگاه سبز باغ فرسنگ هاور از میهن عزیزش آرام گرفته است. او ۸۹ سال در خارج از کشور زیست و در این مدت نمایش هایی چون «گزارش از طرب اویراق»، «طرب نامه»، «داش اکل به گفته مرجان»، «چهارراه» و... را روی صحنه برد و به دعوت بخش ایرانشناسی دانشگاه استنفورد به کار تدریس مشغول بود. بهرام بیضایی، نویسنده، کارگردان و پژوهشگر نامی ایران پنجم دی ماه همزمان با سالروز تولد ۸۷ سالگی خود در آمریکا درگذشت.



آیین بدرقه بهرام بیضایی به پایان رسید و این هنرمند و پژوهشگر بزرگ کشورمان در آرامگاه اسکای لاون ودفراانسپسکو به خاک سپرده شد.

در این مراسم که به دعوت خواننده بیضایی و دانشگاه استنفورد برگزار شد، جمعی از دوستان و همکاران و دوستان بیضایی حضور یافتند. در آغاز مراسم میزده ششمی، بازیگر و همسر بهرام بیضایی قطعه‌ای مناجات خوانی اجرا کرد. سپس عباس میلانی به نمائندگی از بخش ایران‌شناسی دانشگاه استنفورد و نیز برادر بهرام بیضایی سخنرانی کوتاهی انجام دادند. در ادامه، میزده ششمیاسی قطعه‌ای از «سیاوش خوانی» بیضایی را خواند. این مراسم با پیش‌موسیقی «کلیانک

خانه احمد محمود در آستانه نابودی؟!!

اینطور نیست که در همه این سال ها فرش نرود اما واقعا نمی دانیم چه باید بکنیم. او تا باید که بزرگنمایی این خانه خیلی سخت است و ادامه نگهداری از آن توان او نیست. می گویند: زندگی سخت است و از چارچوب زیر بارش از خانه خیلی رها شده است. باید اعطا در پاسخ به این که این نهادها هایی چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت میراث فرهنگی و اسناد و کتابخانه ملی را به پیشتنها برای خرید یا تهاجر خانه احمد محمود نداشته اند که خانه این نویسنده حفظ و به خانه مردم تبدیل شود. بیان می کنند: ما معتقدند باید خانه را به همه دهیم. حتی چند روز پیش در اینستاگرام پیامی داشتم که «خانواده برخی از نویسندگان خانه را به شهرداری داده اند! و شهرداری آنجا را به مردم کرده است.» شاید چنین انتظاری در آن خانه راجع به دهیم و خودمان هم باید یاد بگیریم و پاسخمان را جمع کنیم. او را داده اظهار می کند: از جملاتی چون خانه موزه کردن خانه احمد محمود و این ها خسته شده ام. از این همه این حرف ها خف شده است. واقعا خسته شده ام. از این حرف ها بسیار خسته می شود: این حرف های قشنگ و شیک. حرف های رنگی که از گفتن شد هم می بریم اما خسته شده ام. واقعا می گویم.

فرزند احمد محمود می‌گوید از پس هزینه‌های نگهداری خانه این نویسنده فقید زنی آید و چندسالی است تصمیم به فروش آن گرفته؛ اما در عین حال می‌گوید: «می‌دانم چه باید بکنم. او می‌گوید از حرف‌های شیک و شنگ درباره خانه موزه خسته شده است، همراه با یک جاری به مناسبت سالروز درگذشت احمد محمود به خانهاش در نامه‌ای سری زده و بای صحبت‌های فرزندش شش‌شنبه: خانهاست. او ۵۰ ساله هست فرزند احمد محمود سعی کرده‌اند آنجا کار و روزگاری عمل زندگی و کار این نویسنده نامدار نبوده و داستان‌هایش را در آن خلق کرده است، حفظ کنند. خانه‌ای که به واسطه مکان رویداد بودن دارای ارزش فرهنگی بسیاری است. بایک اعطا، گفت‌وگو با ایلسا زنی نگهداری این خانه‌ایک و از پس هزینه‌های برنی آید گفته بود و اخیراً در مصاحبه‌ای از مصاحبه‌گر برای فروش خانه گفته است. بایک اعطا، پسر احمد محمود در گفت‌وگوی جدیدش با ایلسا درباره تصمیمش برای فروش خانه پدری خود می‌گوید: «بله در مصاحبه قبلی می‌گفتم که این خانه دارد و این کار در توان من نیست. فعلاً نیاز به بازسازی و رنگی منم. خیلی سال است که خانه را برای فروش گذاشته‌ام و

بلندترین ساختمان های ایران

